



رسانه های خارجی اذعان دارند که توان نظامی ایران نه تنها از بین نرفته، بلکه تقویت هم شده است

تیغ تیز ایرانی



سرمقاله

مسلح ایران، نشان روشنی باطل بودن ادعای دشمن است. اگر توانمندی دفاعی و نظامی ایران از بین رفته، پس چه کسی از هفته اول جنگ تا همین امروز تنگه هرمز را کنترل می کند؟ ایران اگر بی دفاع شده، پس چرانظامیان آمریکایی از نزدیک شدن به دریای عمان و خلیج فارس احتراز دارند؟ تیغ های ایران اگر کند شده اند، پس چه کسی در همین روزهای اخیر به پایگاه های آمریکایی در کشورهای جنوب خلیج فارس حمله کرده و پرنده های جاسوسی شان را در آب های جنوب کشور به زیرکشانده و به دشمن صهیونی اخطار می دهد در صورت گسترش تجاوزگری در لبنان، شمال سرزمین های اشغالی را هدف قرار خواهد داد؟ نظامیان و فرماندهان ایرانی از همان ساعت آغاز آتش بس در تدارک ارتقای توان نظامی و دفاعی کشور و پاسخ دردناک به دشمن آمریکایی - صهیونی برای درگیری احتمالی بعدی بودند. عملکردشان هم اثبات همان حرف شهید سلیمانی است: شی نیست که بخوابیم و به دشمن مان فکر نکنیم!

قابلیت های نظامی و دفاعی را وارد نکرده است که در روز مبادا و جنگ گسترده و قطع مسیره های دسترسی، ابزارهای دفاعی و تهاجمی خویش را از دست بدهد. این ابزارها برآمده از توانایی های داخلی و بومی متخصصان داخلی و جامعه علمی و دفاعی ایران است. به همین دلیل هم نه تنها زیر فشار تحریم، بلکه در زمانه جنگ و درگیری نظامی هم این ریشه خشک شدنی نیست. تصویر شلیک موشک ها و پهپادها در جنگ ۴۰ روزه که تاریخ تولیدشان مربوط به جنگ ۱۲ روزه و بعد از آن بود، گواه روشنی این مدعا است که تقویت و احیای توانمندی دفاعی و نظامی، در شرایط درگیری جنگی هم ادامه دارد. سواى این مسائل، یک واقعیت بزرگ و مسلم بیرونی دیگر هم حاکی از آن است که سرینجه های فولادی دفاعی و نظامی کشور همچنان تیز و برنده اند. هر قدر دشمن صهیونی و آمریکایی، چه در زمان جنگ و چه بعد از آتش بس، درباره نابودی نیروهای نظامی و دفاعی ایران لفاظی کنند، اما واقعیت امروز تنگه هرمز و انسداد و کنترل هوشمند آن توسط نیروهای

CNN گزارش مفصلی از احیای آن بخش از توان نظامی ایران منتشر کرده که به اعتراف تحلیلگران خارجی و بین المللی، در زمان جنگ با بمباران های سنگینی روبه رو شده و این تصور را برای دشمن ایجاد کرده بود که این قابلیت ها کاملاً از بین رفته و دیگر قابلیت احیا و بازدارندگی ندارند. چند هفته قبل هم یک رسانه دیگر آمریکایی از یک گزارش اطلاعاتی نقل قول کرده بود که به زعم خودشان، حملات و بمباران های رژیم صهیونی و ارتش تروریستی آمریکا در طول جنگ ۴۰ روزه، در بهترین حالت نهایتاً ۲۵ تا ۳۰ درصد از توان دفاعی و موشکی ایران را تحت تأثیر قرار داده و بیش از ۷۰ درصد از این توانایی همچنان دست نخورده و قابل استفاده است. این گزارش ها، در کنار واقعیتی که در زمان جنگ ۴۰ روزه از یک سو و در عملیات های تلافی دوران آتش بس از سوی دیگر مشاهده شد، نشان دهنده یک واقعیت مسلم است: توان نظامی و دفاعی ایران نابودشدنی نیست. ایران، برخلاف بسیاری از همسایگان اطرافش، این

جمهوری اسلامی ایران ساعتی قبل اعلام کرد در صورت گسترش تجاوزهای رژیم صهیونی در لبنان و علیه مردم مقاوم این کشور، نیروهای مسلح ایران شمال سرزمین های اشغالی را هدف حملات خود قرار خواهند داد. این هشدار، در کنار حملات چند روز اخیر نیروهای مسلح به پایگاه های آمریکایی در جنوب خلیج فارس که در تقاص حملات به خاک ایران صورت گرفت، نشانه های یک واقعیت مشخص هستند؛ اینکه برخلاف تصور و تصویری که رسانه های غربی و آمریکایی از ایران ساخته اند، توانایی های نظامی ایران در جنگ اخیر از بین نرفته و هنوز هم قادر به پاسخ به تجاوز و وارد کردن حملات دردناک به متجاوزان است. این واقعیت صرفاً گزارش رسانه های داخلی نیست. در طی روزهای پس از جنگ، رسانه های متعدد غیرایرانی بارها به این موضوع اشاره کرده اند که ایران از فرصت آتش بس استفاده کرده و توان نظامی و دفاعی خود را به شکل محسوس و ملموسی احیا کرده است. در جدیدترین مورد هم رسانه آمریکایی

آخرین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

طنین صدايت و تماشاى مداوم تصاویری است که از توبه یادگار مانده. پدر، مرا به تقصیر سکوتم ببخش؛ ببخش که هرگز نتوانستم فراتر از ترس نیش خندها و هراس طرد شدن ها، نامت را با افتخار فریاد بزنم.

از همان نخستین شب بارانی سرفت، هر شامگاه در خلوت خویش، تکیه ای تک نفره به پا کرده ام. روضه خوان منم، مستمع دلم و محل شهادت تو پر از خاطراتی است که دیگر باز نمی گردند. دلخوشی ام در این قفس، تکراری بی غایت



سخنی با

جنگ منطقه ای

ترامپ فقط زبان زور را می فهمد

ماجرای قریب الوقوع بودن حمله به بیروت، هشدار ایران به رژیم صهیونیستی و در ادامه عقب نشینی ترامپ و نتانیاهو از حمله، یک بار دیگر نشان داد که بازیگران جنگ طلبی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی بیش از هر چیز زبان قدرت و بازدارندگی را می فهمند. در حالی که رژیم صهیونیستی پس از تهدید ضاحیه جنوبی بیروت و صدور هشدار تخلیه، خود را برای حمله ای گسترده آماده می کرد، ناگهان ورق برگشت. تماس تلفنی ترامپ و نتانیاهو و سپس اعلام توقف عملیات، نشان داد که محاسبات تل آویو و واشنگتن تغییر کرده است. این تغییر البته بدون دلیل نبود. هشدار صریح ایران مبنی بر اینکه هرگونه نقض آتش بس در لبنان به منزله نقض آتش بس در همه جبهه ها تلقی خواهد شد، همراه با هشدار فرماندهان نظامی ایران درباره پاسخ متقابل، معادله را تغییر داد. این عقب نشینی ساعتی پس از اطلاعیه قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا در مورد هشدار به اسرائیل صورت گرفت. پیام روشن بود؛ هر تجاوز جدید، هزینه سنگینی برای متجاوز خواهد داشت. توقف حمله به بیروت بیش از آنکه حاصل میانجیگری باشد، نتیجه هشدار ایران و درک هزینه های یک ماجراجویی جدید بود. آنچه رخ داد، بار دیگر این درس را یادآوری می کند که در برابر بازیگران جنگ طلب، تضمین امنیت از مسیر اقتدار و بازدارندگی می گذرد.

قاب

حضور هادی ساعی در منزل شهید کرمی

رئیس فدراسیون تکواندو با حضور در منزل شهید تکواندوکار با خانواده وی دیدار و گفتگو کرد. محمدصادق کرمی در جنگ تحمیلی سوم به شهادت رسیده بود.



تحلیل

دشمن انسجام ما را هدف گرفته است

چه در دوران جنگ ۴۰ روزه و چه در شرایط پس از آن، یکی از اصلی ترین مؤلفه های پایداری کشور، انسجام ملی بوده است. اساساً تجربه نشان داده هر زمان این همبستگی تقویت شده، ظرفیت کشور برای عبور از بحران ها نیز افزایش یافته است. به همین دلیل نیز رهبر معظم انقلاب در پیام های خود، همواره بر حفظ وحدت و توجه به انسجام اجتماعی - ملی به عنوان یک اولویت راهبردی تأکید داشته اند. در مقابل، یکی از محورهای ثابت راهبرد دشمن حداقل در سه ماه اخیر، تلاش برای تضعیف همین انسجام داخلی بوده است. در همین زمینه، گزارش اخیر روزنامه اسرائیل هیوم نیز حائز اهمیت است؛ جایی که به وجود یک معاونت ویژه در ساختار موساد با مأموریت عملیات روانی، نفوذ رسانه ای و «سم پاشی اجتماعی» در ایران اشاره شده است. براساس این گزارش، هدف چنین ساختاری، ایجاد بی اعتمادی، تشدید اختلافات داخلی و ضربه زدن به سرمایه اجتماعی کشورمان است. یکی از خروجی های این رویکرد موساد نیز انتشار گسترده شایعات، اخبار جعلی و تخریب هدفمند چهره مسئولان عالی رتبه در فضای رسانه ای و شبکه های اجتماعی است که از قضا از سکوهای فارسی زبان ضد ایرانی دنبال می شود.